

دکتر دیوید ترنر، انجیل یوحنا، جلسه ۲۱

پیدایش ۱ و یوحنا ۱

دیوید ترنر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر دیوید ترنر در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه ۲۱، پیدایش ۱ و یوحنا ۱ است.

سلام، ما اکنون ویدیوهایمان در مورد یوحنا را فصل به فصل تکمیل کرده‌ایم و در پایان این مجموعه ویدیوها، چند جلسه در مورد الهیات کتاب مقدس انجیل یوحنا خواهیم داشت. اولین جلسه را پیدایش ۱ و یوحنا ۱ نامگذاری کرده‌ایم. ما در تلاشیم تا بینامتنیت بین یوحنا ۱ را بررسی کنیم، زیرا به پیدایش ۱ اشاره دارد و ماهیت لوگوس در یوحنا ۱ و آموزه خلقت را آنطور که در آنجا آموزش داده شده است، درک کنیم.

برای من آشکار است که وقتی یوحنا به فصل اول کتاب پیدایش اشاره می‌کند، صرفاً نمی‌خواهد به ما بگوید که عیسی، کلام خدا در عهد جدید، خالق عهد عتیق است. او تلاش می‌کند تا بر اساس آن آموزه خلقت، به ما بیاموزد که عیسی جهان اولیه را همانطور که آفریده شده بود، تجدید می‌کند. او به اصطلاح، جهان را نه تنها با تاباندن نور اولیه بر آن، بلکه با تجدید جهان از طریق نور انجیل که بر او متمرکز است، از نو می‌آفریند.

بنابراین، من این مقاله را از طریق کامپیوتر خواهم خواند، بنابراین از عدم ارتباط چشمی مداوم عذرخواهی می‌کنم. امیدوارم که محتوا برای غلبه بر کمبود ارائه خوب کافی باشد. مطالعه فصل اول یوحنا با توجه به فصل اول پیدایش، مستلزم آن است که ما در مورد تمام جنبه‌های تاریخی، زبانی، فرهنگی و الهیاتی که در رشته تفسیر دخیل هستند، فکر کنیم.

ظهور اخیر تفسیر کلامی به عنوان جایگزینی برای تفسیر صرفاً تاریخی، هرگونه رویکردی به متون کتاب مقدس را که ادعا می‌کند با روشی کاملاً عینی به آنها می‌پردازد و به نتایجی با ارزش‌های خنثی، جدا از هرگونه سهم تاریخ تفسیر کل متون مقدس، چه عهد عتیق و چه عهد جدید، می‌رسد، به چالش می‌کشد. برای من شخصاً، خواندن عهد عتیق بدون آگاهی و تحت تأثیر استفاده عهد جدید از آن متون مقدس مهم، غیرممکن و غیرقابل توصیه است. بنابراین، من سعی می‌کنم گرایش‌های خود را بشناسم و آنها را آگاهانه در طول فرآیند تفسیر به کار ببرم.

من در پی درک تأثیرات عهد عتیق بر عهد جدید هستم و عهد جدید را به عنوان بخش معتبر تاریخ تفسیر عهد عتیق می‌بینم. جنبه تفسیری که برای این مطالعه از همه مهم‌تر است، می‌تواند ژانر روایت کتاب مقدس به طور کلی و به ویژه پیدایش و انجیل چهارم باشد. در مورد روایت کتاب مقدس به طور کلی، باید در نظر گرفت که روایت‌ها چگونه تاریخ را برای اهداف الهیاتی به تصویر می‌کشند.

به طور خاص در مورد انجیل یوحنا، باید به متنی پرداخت که به قول لوک تیموتی جانسون، از نظر سبکی ساده اما از نظر نمادین متراکم باشد. ممکن است در مورد توصیف کلمنت از انجیل یوحنا به عنوان یک انجیل معنوی، تردیدهایی داشته باشیم، اما نمی‌توان از تمایز آن چشم‌پوشی کرد. پیشنهاد دان کارسون مبنی بر اینکه «معنوی» ممکن است به معنای تمثیلی یا حتی نمادگرایانه باشد، نکته خوبی به نظر می‌رسد.

این برداشت از یوحنا برای تعیین یک سؤال که باید در اینجا به آن پرداخته شود، تعیین‌کننده است. یوحنا تا چه حد الهیات خلقت جدید یا تجدید خلقت را مد نظر دارد؟ مسئله مهم دیگر، به ویژه در حوزه تفسیر متون کتاب مقدس مربوط به خلقت، چیزی است که جان والتون آن را کنکوردیسم می‌نامد. کنکوردیسم اصطلاح والتون برای رویکردی نسنجیده است که تمایل دارد نظریه‌های علمی مدرن را، هر چه که باشند، به

متون باستانی کتاب مقدس برگرداند، با این فرض که خود کتاب مقدس قصد دارد مستقیماً به سؤالات علمی فعلی بپردازد و با نظریه علمی مطابقت خواهد داشت.

مشکل مضاعفِ نظریه‌ی «هماهنگی» این است که در تلاش برای تطبیق آموزه‌های کتاب مقدس با نظریه‌ی علمی کنونی، که در این فرآیند، تاریخی بودن و زودگذر بودن خود نظریه را دست کم می‌گیرد، تمایل دارد تاریخی بودن کتاب مقدس را کم‌اهمیت جلوه دهد. این مطالعه، اشارات به پیدایش ۱ که در یوحنا ۱ یافت می‌شود را از طریق جزئیات بینامتنی و ارتباطات موضوعی که به الهیات اولیه‌ی یوحنا پی خلقت و خلقت جدید منجر می‌شود، بسط خواهد داد. چنین مطالعه‌ای به دلیل تراکم خود متن کتاب مقدس، و همچنین به دلیل کثرت متون ثانویه در مورد متن، نمی‌تواند به هیچ وجه کامل باشد.

من فرض می‌کنم که صرف نظر از فرآیندهای تألیفی، مقدمه انجیل یوحنا در نهایت قرار بوده است که به همراه بقیه انجیل چهارم به صورت یک کل واحد و به شیوه‌ای که متقابلاً بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند خوانده شود. من همچنین دیدگاه بسیاری از محققان اخیر را فرض می‌کنم که محیط اصلی مجموعه عهد جدید یوحنا به طور کلی و مقدمه یوحنا به طور خاص، یهودی و کتاب مقدسی است تا عرفانی و فلسفی. به طور خاص، متون اولیه و بنیادین نهفته در مقدمه یوحنا، پیدایش ۱ و خروج ۳۳ و ۳۴ هستند، صرف نظر از اینکه چه کسی می‌تواند در مورد تأثیر سایر متون یهودی موجود در قرن اول میلادی بگوید.

به نظر من، مقدمه یوحنا نوعی تفسیر ضمنی از این دو متن اصلی، یعنی پیدایش ۱ و خروج ۳۳ و ۳۴، است توضیح مختصری در مورد اینکه آیا متون یهودی دیگر واسطه‌های ادبی قابل قبولی بین یوحنا ۱ و پیدایش ۱ هستند، ضروری است. واضح است که انجیل چهارم نه از خلاء، بلکه از یک محیط اجتماعی-تاریخی باستانی نوشته شده است.

این محیط احتمالاً شامل متونی بوده است که به نحوی در پیدایش ۱ تأمل کرده‌اند که نویسنده انجیل چهارم آن را مفید دانسته است. چنین واسطه‌های ادبی قابل قبولی که ایده‌هایشان تا حدودی با آموزه‌های یوحنا سازگار بوده است، شامل متون حکمت یهودی مشابه امثال ۸، متونی مانند سیراخ، فصل ۲۴، حکمت (memra) فصل‌های ۷ تا ۱۰، باروخ، فصل‌های ۳ و ۴ می‌شود. درک فیلو از لوگوس و مفهوم ترگومیک میمرآ خدا، و سایر ایده‌های یهودی، نیز برای درک این متن مهم خواهد بود. با وجود شباهت‌های قابل توجه و روشنگر، واضح است که لوگوس یوحنا پی از این نوشته‌های پیش‌بینی‌کننده فراتر می‌رود.

بنابراین، اکنون که موضوع را معرفی کردیم، به اولین بخش اصلی بدنه مقاله، یعنی بررسی مسائل کلیدی بینامتنی، می‌پردازیم. فردی که با کتاب مقدس آشنا باشد و یوحنا ۱ را بخواند، مطمئناً متوجه پژواک‌ها یا اشاراتی به پیدایش ۱ خواهد شد. موارد واضح‌تر در ابتدا، توصیف عیسی ازلی به عنوان کلمه، خود عمل خلقت، کلمه به عنوان زندگی و کلمات نور و تاریکی در کنار هم هستند. بنابراین، این دسته‌بندی‌هایی را که ذکر کردیم، یکی یکی بررسی خواهیم کرد.

اول از همه، عبارت آغازین معمولاً اشاره می‌شود که یوحنا ۱:۱ از روی پیدایش ۱ الگوبرداری شده و عیسی یعنی کلمه «تبدیل به جسم شدن»، را به عنوان عامل خلقت درک می‌کند. بنابراین، در زبان آغازین یوحنا مانند یوحنا ۱ و «en arche» در یونانی، پژواک پیدایش ۱:۱ در ترجمه هفتادگانی «en arche»، و ۲:۱ است. bereshit «در عبری».

بنابراین ابتدا، عبارت «در آغاز، برشیت» در عهد عتیق آمده است. کلمه برشیت، آغاز، ۵۱ بار در عهد عتیق در اشاره به آغازها یا اولین‌های انواع مختلف، از جمله پادشاهی نمرود در پیدایش ۱۰، آغاز سال در تثنیه ۱۱، سلطنت پادشاهان، ارمیا ۲۶ و ۲۷، آغاز گناه، میکاه فصل ۱، آغاز نزاع، امثال ۱۰:۷، آغاز حکمت، مزمور ۱۱۱، آغاز دانش، امثال فصل ۱ آمده است. طبق پیدایش ۴۹ و سایر متون عهد عتیق

پسران نخست‌زاده آغاز قدرت مردانه پدرشان هستند. طبق خروج ۳۴ و سایر متون، اولین میوه‌های محصولات، آغاز برداشت محصول هستند.

از نظر استعاری، اسرائیل اولین، یا به زبان یونانی آرخه، از برداشت خدا است، ارمیا فصل ۲، آیه ۳، و متون دیگر. الی به دلیل مصرف بخش برگزیده هدایا، که بخش اول محسوب می‌شود، سرزنش شد. سهم لاویان در حزقیال ۴۸، اولین یا بخش برگزیده زمین است، در مقایسه با تثنیه ۳۳، آیه ۲۱.

حکمت، ریشیت، اولین، اصلی‌ترین یا مهم‌ترین فعالیت زندگی است. و البته، ترس از خداوند، آغاز حکمت است، در امثال باب ۱، آیه ۷، امثال ۹، آیه ۱۰، و مزمور ۱۱۱، آیه ۱۰. در پیدایش ۱:۱، کلمه آغاز، ریشیت در عبری و در ترجمه هفتادگانی آرخه به یونانی، به آغاز جهان آنگونه که خدا آن را آفرید اشاره دارد. امثال، نمونه دیگری است که این دو کلمه به آغاز جهان، ریشیت در عبری، آرخه در ترجمه هفتادگانی ۸:۲۲، ترجمه یونانی، اشاره دارند.

حکمت یا خرد خداوند، در بحث لاگوس در یوحنا ۱:۱ بسیار پررنگ است. این دو متن تنها کاربردهای مسلم کلمه «ریشیت» در عهد عتیق برای آغاز خلقت جهان هستند، اگرچه این معنی نیز حداقل در اشعیا آیه ۱۰ قابل قبول است. اکنون به «در آغاز» در عهد جدید می‌پردازیم. ۵۵ بار تکرار کلمه «آرخه» به «آرخه» ۴۶، معنای «آغاز» در عهد جدید، نکات ظریفی را در رابطه با اولویت زمانی یا حکومتی به همراه دارد.

پولس در تیمتیس ۳:۱ از این کلمه برای حاکمان انسانی استفاده می‌کند، اما اغلب برای توصیف مقامات. سلسله مراتبی فرشتگان در متون مختلف، از جمله رومیان ۸:۳۸ و افسسیان ۱، کولسیان ۱، به کار می‌رود. آرخه معمولاً به آغاز زمانی یک عمل، یک فرآیند یا یک حالت وجودی اشاره دارد. بحث‌های زیادی در مورد کاربرد آن در مرقس ۱:۱ برای آغاز انجیل عیسی مسیح وجود داشته است. آرخه اغلب برای توصیف روزهای اولیه انجیل استفاده می‌شود.

متونی مانند لوقا ۱:۲، یوحنا ۸:۲۵ و ۱۵:۲۷. در متی ۱۹:۴، عیسی از خلقت انسان‌ها به صورت مرد و زن به عنوان چیزی که از ابتدا اتفاق افتاده صحبت می‌کند. در متی ۲۴:۲۱، عیسی از مشکلات آخرالزمانی ap' arches صحبت می‌کند که چنین چیزی از زمان آغاز جهان یا از زمان خلقت جهان، به یونانی هرگز اتفاق نیفتاده است. در یوحنا ۸:۴۴، عیسی از شیطان به عنوان یک قاتل از ابتدا صحبت، kosmou می‌کند.

در عبرانیان ۱:۱۰، مزمور ۱۰۲، آیه ۲۵، از نظر مسیح‌شناسی، به عنوان توصیفی از عیسی در حال پایه‌گذاری جهان، گت آرکاس، مطابق با آغاز یا در آغاز، خوانده می‌شود. دوم پطرس ۳:۴ از شکاکانی صحبت می‌کند که معتقدند همه چیز از زمان خلقت یا آغاز خلقت، از زمان خلقت تا به حال ادامه دارد. یهودا ۶ آشکارا وضعیت خلقت فرشتگانی را که بعداً سرکشی کردند، به عنوان ترک حالت اولیه یا آغاز خود توصیف می‌کند.

یهودا ۶. آرخه همچنین عیسی را حداقل در دو متن مهم، کولسیان ۱:۱۸ و مکاشفه ۳:۱۴، توصیف می‌کند. کولسیان ۱:۱۸ بخشی از مجموعه‌ای از گزاره‌هاست که عیسی را به عنوان پسر محبوب خدا که از قوم خود دفاع می‌کند، تصویر خدا را نیز به تصویر می‌کشد، همه چیز را خلق و نگه می‌دارد و کلیسا را رهبری می‌کند، ستایش می‌کند. در این رابطه، عیسی آرخه، آغاز، کسی است که از طریق او تمام فرآیندهای خلاقانه، و رستگاری آغاز می‌شود. به طور مشابه، در مکاشفه ۳:۱۴، درست همانطور که آرخه کتسیئوس به تو آغاز خلقت خدا، عیسی را به عنوان علت آغازین خلقت خدا توصیف می‌کند، شاید حتی بر عیسی به عنوان علت آغازین خلقت جدید خدا و همچنین خلقت اولیه تأکید کند.

یکی دیگر از اصطلاحات کلیدی بینامتنی در اینجا، ایده کلمه یا کلام خداست. بنابراین، این دومین اصطلاح به خلقت خدا از طریق کلام در آغاز هر یک از شش روز اشاره دارد، «o logos»، ماست. کلمه در یوحنا ۱

، ژنتتو kai eipen ho theos، پیدایش ۱: ۳، ۶، ۹، ۱۴، ۲۰ و ۲۴. در ترجمه یونانی هفتادگانی عهد عتیق، و خدا گفت باشد. یا به زبان عبری، وایومر الوهیم یهی. خدا گفت باشد.

این نوع زبان گفتاری در متن روز سوم، روز پنجم، روز ششم و همچنین در فصل دوم، آیه ۱۸ تکرار می‌شود. kreos ha theos، در این متن آخر، آفرینش زن توسط خدا پس از گفتار او، کای، می‌آید. این آدونای «الوهیم» به زبان عبری، و خدا فرمود که خوب نیست vayomer، و خدا گفت، Septuagint، انسان تنها باشد. اشاره دیگری به کلام خدا در فصل اول، آیه پنجم، وجود دارد، زمانی که در روز اول، خدا با استفاده از فعل یونانی «کالتو» «که در عبری» «آکارا» است، نور را روز و تاریکی را شب می‌نامد.

همین زبان برای موجودات آفریده شده در روزهای دوم و سوم استفاده می‌شود. بعداً، آدم در فصل اول، آیه نام حیوانات را صدا می‌زند. او در آیه ۲۳، زن را و سپس در فصل سوم، آیه ۲۰، حوا را نام می‌برد، ۱۹.

بر مخلوقات خود و بر انسان‌ها برکت می‌دهد. بنابراین، ما چندین اصطلاح مختلف برای eulogaisin، کلام خداوند در آنجا داریم. در عهد عتیق، فراتر از ارتباطات کلامی که ممکن است مستقیماً بین لوگوس و یوحنا و زبان اعمال گفتاری خداوند در پیدایش ۱ ترسیم شود، در بسیاری از متون مرتبط از کلام خداوند سخن گفته شده است. به عنوان مثال، خلقت از طریق کلام در مزمور ۳۳، آیات شش و نه تأکید شده است.

در آیه ۳۳:۶، کلام و نفس خدا به طور مترادف و موازی، عوامل خلقت هستند. در آیه ۳۳:۹، رابطه‌ای مترادف و موازی بین کلام خدا و فرمان خدا به عنوان علل بی‌واسطه خلقت وجود دارد. اغلب، «دبار آدونای»، کلام خداوند، به عنوان وحی به پیامبران نازل می‌شود و نوید رهایی یا هشدار داوری بر اسرائیل را می‌دهد.

متونی مانند مزمور ۱۰۷، آیه ۲۰، ارمیا فصل اول، آیه چهارم، اشعیا فصل نهم، آیه هشتم، حزقیال ۳۳:۷، و عاموس ۳:۱. کلام خدا همچنین به طور منحصر به فردی بر روند امور اسرائیل حاکم است. مزمور ۱۰۷، آیه مزمور ۱۴۷، آیات ۱۵ تا ۲۰. شاید جالب‌تر اینکه، اشعیا ۵۵، ۱۰ و ۱۱، متنی که گهگاه در ارتباط با ۲۰، یوحنا ۱ به آن استناد می‌شود، کلام خدا را به عنوان نماینده خدا به تصویر می‌کشد، که بدون شک هر آنچه را که او قصد انجام آن را دارد، به انجام خواهد رساند.

«درک همپوشانی معنایی و پیوستگی الهیاتی «دبار «خدا، کلام خدا، و «تورات «خدا، شریعت او، و «حکمه خدا، حکمت او، دشوار نیست. ادبیات معبد دوم و سنت خاخامی بعدی، از این پیوستگی و تأمل در متون کتاب مقدس مانند امثال ۳:۱۹ و امثال ۸:۲۲-۳۱ بسیار بهره برده‌اند. چنین متونی، حکمت را به عنوان چیزی که پیش از خلقت در ارتباط نزدیک با خدا وجود داشته و نقشی فعال در خلقت داشته، ستایش می‌کنند. با این حال، خود حکمت طبق امثال ۸:۲۳ تثبیت شده است. کلمه یونانی موجود در ترجمه هفتادگانی، «اتلمیوسین» است، به معنای «خدا بنیاد نهاد»، «خدا حکمت را بنیان نهاد»، و اصطلاح مشابهی نیز در زبان عبری وجود دارد.

حکمت نیز زاده می‌شود، زاده می‌شود، امثال ۸:۲۵، آشکارا به عنوان اولین مخلوق خدا. از این نظر، لوگوس در یوحنا، که همه چیز را آفرید، نه فقط هر چیز دیگری، که دوباره به عبارت‌پردازی در یوحنا ۱:۳ اشاره دلاتو آگناتا، همه چیز از طریق او اتفاق افتاد، کای کورپس خودکار آگنتو اودِ هِن، جدا از او panta، دارد.

هیچ اتفاقی نیفتاده، هیچ چیزی آفریده نشده است. این امر تا حد زیادی از آموزه‌ی خرد مجسم‌شده به عنوان عامل خلاق خداوند فراتر می‌رود.

با بازگشت به عهد جدید، در عهد جدید، لوگوس برای انواع مختلف ارتباط یا حسابرسی الهی یا انسانی، چه گفتارهای شفاهی، آموزه‌ها، وعده‌ها یا پیام‌های کتبی، استفاده می‌شود. مسلماً استفاده یوحناپی از لوگوس برای عیسی ازلی نیز در اول یوحنا ۱:۱ و در مکاشفه ۱۹:۱۳ یافت می‌شود. همچنین، یک قرائت متفاوت اولیه در اول یوحنا ۵:۷، پدر و روح را با کلمه مرتبط می‌کند، و این نشان نمی‌دهد که این یک متن متعارف در نسخه‌های خطی اصلی است، فقط یک اشاره اولیه جالب به این درک از عیسی به عنوان کلمه است. لوگوس نیمه‌شخصیت‌یافته پویا و فعال واژه «تو» در عبرانیان ۴:۱۲، یعنی کلام خدا که زنده و فعال است و در قلب‌های انسان‌ها نفوذ می‌کند، می‌تواند برای این گفتگو و بحث نیز مرتبط باشد.

اشاره به اشعیا ۴۰:۸ و اول پطرس ۱:۲۵ که بر قدرت جاودان کلام خدا تأکید می‌کند، نیز مرتبط و جالب است. در یوحنا ۱:۱، هو لوگوس به عنوان تجسم ازلی و نهایی خودبیانگری خدا، از تمام اشارات قبلی به کلام ارتباطی خدا فراتر می‌رود. عبرانیان ۱:۱ و ۲ را مقایسه کنید. همانطور که در انجیل چهارم توضیح داده آشکار می‌کند، پدر را چنان به طور، exegesato کلمه یونانی، exegetes، شده است، کلمه جسم شدن کامل توضیح می‌دهد که کسی که عیسی را طبق ۱۴:۸ و ۹ دیده است، پدر را دیده است.

عیسی از آسمان نازل شده است، یوحنا ۳:۱۴، و طبق فصل ۵ آیات ۱۶-۱۹، حتی در روز سبت نیز کار پدر را انجام می‌دهد. موسی درباره عیسی نوشت و سخنان عیسی در کنار سخنان موسی به عنوان شریعت خدا در یوحنا ۴۷:۵-۴۵ قرار گرفته است، اما عیسی کلمه بود، حتی قبل از تولد ابراهیم وجود داشت و ابراهیم از دیدن روز عیسی که کلمه جسم شد، طبق یوحنا ۸ آیات ۵۶-۵۸، شادمان شد. همانطور که کلمه جسم می‌شود، کسی که قبل از بنیان جهان مورد محبت پدر بود، عیسی بازگشت خود را به سوی پدر پیش‌بینی می‌کند و برای کسانی که او را پیروی کرده‌اند دعا می‌کند.

او آنها را به عنوان کسانی توصیف می‌کند که کلام خدا به آنها داده شده، آن را حفظ کرده‌اند و به قدرت تقدیس‌کننده آن نیاز دارند، یوحنا ۱۷:۶، ۱۴ و ۱۷. چنین انجیل روحانی مانند یوحنا را حتی می‌توان به عنوان کلمه‌ای که جسم می‌شود توصیف کرد. این اشارات همچنین به سخنان عیسی اشاره دارد که کلمه جسم می‌شود.

در هر صورت، ظهور عیسی پس از رستاخیز، یک شکاک را به این نتیجه می‌رساند که کلمه‌ای که جسم شد خود خداوند و خداست، یعنی توماس در یوحنا 20:28. از لوگوس به خود عمل خلقت می‌رسیم. توصیف یعنی همه چیز از طریق او آفریده شد یا، egeneto عمل خلقت در یوحنا 1:3، پانتا دی خودکار عبارت epoiesen: اتفاق افتاد، احتمالاً به پیدایش ۱:۱ اشاره دارد. در ترجمه سپتواجینت این عبارت، آمده است یعنی خدا آسمان و زمین را آفرید، عبارتی مشابه در کتاب مقدس عبری. در، ho theos to ouranon، در نسخه سپتواجینت در روزهای ۱، ۲ و ۳ است let there be تکرار عبارت egenetheto، یوحنا ۱:۳. در فصل ۱، آیات ۳، ۶ و، let there be، یعنی thetosan، یا let there be، egenetheto، کلمه فوس egenetheto، و در پیدایش ۱:۳، زبان سبکی وجود داشت، ۱۴.

اشارات دیگری به خلقت آدم و حوا توسط خدا در پیدایش ۱:۲۶، ۲۷، ۳۱، و همچنین در فصل‌های ۵: ۱-۶ و ۷: ۶ آمده است. بنابراین، ابتدا بیابید در مورد عمل خلقت در عهد عتیق فکر کنیم. همانطور که در ۲ «بالا ذکر شد، کلمه عبری «بارا» چندین بار در پیدایش ۱ برای خلقت اولیه جهان استفاده شده است». بارا همچنین برای توصیف خلقت افراد، شرایط و موقعیت‌های بعدی در متون دیگر نیز استفاده شده است.

روی هم رفته، این کلمه ۵۴ بار در کتاب مقدس عبری آمده است. نکته‌ی جالب توجه در این مطالعه، کاربرد بارها در متون مربوط به دگرگونی افراد است، متونی مانند مزمور ۵۱، آیه ۷، و خود خلقت، اشعیا ۴، آیه ۵، ۴۱:۲۰، ۴۵:۸، و ۶۵:۱۷، و ۱۸. این خلقت آسمان‌ها و زمین جدید در متن اخیر، طبق اشعیا ۴۳، آیه ۱، آیه ۷، و آیه ۱۵، شامل خلقت آینده‌ی خود اسرائیل نیز می‌شود.

کلمه دیگری در کتاب مقدس عبری برای توصیف فعالیت خلاقانه خداوند استفاده شده است، یعنی کلمه این کلمه بسیار رایج، که بیش از 2500 بار در کتاب مقدس عبری آمده است، انواع مختلفی از . asah پس از اعمال asah، ساختن و انجام دادن را توصیف می‌کند. در پیدایش 1: 7، 11، 12، 16، 25 و 26 آمده است. الوهیم، و خدا گفت، پس از آنکه خدا این را انجام داد، خدا، vayomer، گفتاری اولیه الهی آن را ساخت.

این اتفاق در روزهای ۲، ۳، ۴ و ۶ رخ می‌دهد. بسیاری از متون دیگر کتاب مقدس از کلمه «آسا» در اشاره به فعالیت خداوند، چه در اشاره به خلقت اولیه و چه در اشاره به فعالیت مشیت الهی استفاده می‌کنند. آسا «همچنین به آفرینش اسرائیل توسط خداوند اشاره دارد، متونی مانند تثنیه ۲۶، آیه ۹، ۳۲:۶، اشعیا» و متون دیگر. همچنین در مورد حزقیال ۱۸:۳۱ به انجام یک دگرگونی شخصی توسط خداوند اشاره ۱۷:۷ دارد.

شاید مرتبط‌ترین جنبه پیدایش ۱ برای یوحنا ۱، رواج توالی زبانی گفتاری باشد که منجر به وجود آمدن می‌شود.

شش بار خدا صحبت می‌کند، وایومر الوهیم، یهی یا، و غیره، خدا گفت بگذار نور باشد، سبتوآگنا ایین هو هر بار، هستی از این کلام خدا ناشی می‌شود. پس از اینکه خدا به زبان عبری . phos تئوس ... آگنتو Vayehi or متن می‌گوید، Yehi or، می‌گوید.

egeneto، خدا گفت، بگذار روشنائی باشد و روشنائی شد. در یونانی، در ترجمه هفتادگانی، خدا می‌گوید تاتوس، و بعدش کای آگناتو رو داریم تئوس، اتفاق افتاد. گذار که پایان پنج روز اول را نشان می‌دهد، زبان هستی را تکرار می‌کند و آن را بیش از پیش قابل توجه می‌سازد، فصل ۱، آیات ۵، ۸، ۱۳، ۱۹ و ۲۳.

که معمولاً در ترجمه poieo حال به عمل خلقت در عهد جدید نگاهی می‌اندازیم. در عهد جدید، کلمه در زبان عبری استفاده می‌شود، برای خلقت نیز به کار asah و barah هفتادگانی برای ترجمه هر دو کلمه می‌رود. این موضوع اغلب در متون عهد جدید که به عهد عتیق استناد می‌کنند، مانند متی فصل ۱۹، آیه ۴ و متون مشابه، دیده می‌شود.

است. این کلمه برای الهیات عهد (Ktidzo) یکی دیگر از کلمات رایج در عهد جدید برای خلقت، کتیدزو جدید در مورد نجات به عنوان خلقت جدید در متونی مانند غلاطیان فصل ۶، آیه ۱۵، با مقایسه شکل در دوم قرن‌تایان ۵:۱۷، همچنین در افسسیان ۲:۱۰، افسسیان ۲:۱۵، ۴:۲۴ و کولسیان ktisis اسمی فعل در انجیل یا نامه‌های یوحنا استفاده ktisis اهمیت دارد. با این حال، این اصطلاح با استفاده از ۳:۱۰ نشده است.

برای هدف این مطالعه، استفاده از واژه جینومای در یوحنا ۱:۳ و ۱:۱۰ برای توصیف فعالیت خلاقانه خداوند، بیشترین ارتباط را دارد. به نظر می‌رسد استفاده از جینومای برای خلقت تقریباً در عهد جدید، منحصر به فرد است و مسلماً قصد دارد اشاره‌ای به استفاده مکرر از هایا، جینومای، هایا در زبان عبری، جینومای در ترجمه هفتادگانی، در پیدایش ۱:۱ برای توصیف عمل خلقت داشته باشد. در این راستا،

مقایسه یوحنا ۱:۱ با یوحنا ۸:۵۸ جالب است، جایی که وجود پیشین عیسی در تضاد با خاستگاه گذشته ابراهیم قرار می‌گیرد.

ego، پیش از آنکه ابراهیم وجود داشته باشد، پیش از آنکه ابراهیم متولد شود، genesthai پرین آبرام، من هستم. یکی دیگر از جنبه‌های خاص بینامتنیت بین عهد عتیق و جدید در یوحنا ۱ و پیدایش ۱، eimi، از عیسی به عنوان منبع حیات یاد en auto zoe، اشارات به کلمه حیات است. یوحنا در فصل ۱، آیه ۳ که در او حیات بود، خود اشاره‌ای به باب اول پیدایش است، جایی که البته حیات، «en» می‌کند محوریّت دارد.

در پیدایش ۱:۲۰ و ۲۱، خداوند موجودات آبی، پرندگان آسمان و سایر موجودات آبی را می‌آفریند که nephesh heya و در عبری zoson همگی به عنوان موجودات زنده، پسوکون، توصیف شده‌اند. در یونانی همین زبان در فصل ۱، آیه ۲۴ برای گاو و سایر موجودات خشکی استفاده شده است. در فصل ۱، آیه . نقشه خدا برای انسان جهت حکومت بر هر موجود زنده شرح داده شده است، ۲۸.

در فصل ۱، آیه ۳۰، خداوند گیاهان سبز را برای غذا به هر موجودی که حیات دارد می‌دهد. باز هم، کلمه نَفِش هیا استفاده شده است. خود انسان‌ها نفس حیات را دریافت می‌کنند، یوحنا فصل ۲۰، آیه ۲۲ را مقایسه کنید، و آنها در پیدایش فصل ۲، آیه ۷ به موجودات زنده تبدیل می‌شوند. بنابراین، بیابید به چگونگی استفاده از حیات در عهد عتیق فکر کنیم.

در بسیاری از متون عهد عتیق، مانند مزمور ۸۹، آیه ۴۷، و مزمور ۹۰، آیه ۱۰، از حیات صرفاً به معنای فیزیکی آن صحبت می‌شود. اما بسیاری از متون دیگر، خدای اسرائیل را به عنوان خدای زنده به تصویر می‌کشند. تثنیه ۵:۲۶، یوشع ۳:۱۰، اول سموئیل ۱۷:۲۶، و متون دیگر.

این خدای زنده از اسرائیل می‌خواهد که در رابطه‌ای مبتنی بر عهد با او زندگی کنند، تثنیه فصل ۴، آیه ۱۰؛ و تثنیه ۳۱:۱۳. در این زمینه عهدی، خدا به اسرائیل نعمت زندگی و رفاه را در صورت اطاعت از او، ۱۲:۱ می‌دهد، و آنها را از نفرین مرگ و بدبختی در صورت نافرمانی از او برحذر می‌دارد، تثنیه ۳۱، آیات ۱۵ تا ۲۰. بنابراین، زندگی صرفاً به مدت زمانی که یک فرد زندگی می‌کند مربوط نمی‌شود، بلکه زندگی یک امر کیفی و رابطه‌ای نیز هست. طبق تثنیه فصل ۸، آیه ۳، اسرائیل تنها با نان زنده نیست، بلکه با هر آنچه از دهان خدا صادر می‌شود، زندگی می‌کند. خدا به اسرائیل یک دگرگونی درونی، ختنه قلب، ارائه می‌دهد که می‌تواند آنها را قادر سازد تا او را دوست داشته باشند و بنابراین برای او زندگی کنند، تثنیه فصل ۳۰، آیه ۶. کلام عهد خدا با اسرائیل چیزی کمتر از زندگی اسرائیل نیست، طبق تثنیه فصل ۳۰، آیه ۲۰، و ۳۲، آیه ۴۷.

کسی که حکمت را بیابد، طبق امثال فصل ۸، آیه ۳۵، و بسیاری از متون دیگر در امثال، حیات را می‌یابد. از این نظر، خدا چشمه حیات اسرائیل است که در نور او نور را می‌بینند، مزمور ۳۶، آیه ۹، در مقایسه با پیدایش ۲:۱۰، ارمیا ۲:۱۳. بدون شک این به زندگی فیزیکی زمینی اشاره دارد، اما زندگی فیزیکی زمینی است که در رابطه درست با خدا زیسته می‌شود. اکنون به زندگی در عهد جدید می‌پردازیم.

همانند عهد عتیق، بسیاری از متون عهد جدید از زندگی ساده فیزیکی صحبت می‌کنند، اعمال رسولان آیه ۱۰، یعقوب ۴:۱۴. بسیاری از متون دیگر از نوعی زندگی متعالی صحبت می‌کنند که توسط ۲۰، ۱۷:۲۵ خدا در مسیح امکان‌پذیر شده است، اعمال رسولان ۱۱:۱۸، ۱۳:۴۸، رومیان ۶:۴. کسانی که در مسیح با خدا مرتبط نیستند، طبق دوم قرن‌تیا ۲:۱۵ و ۱۶، و افسسیان ۴:۱۸، از زندگی خدا بیگانه هستند. زندگی در مسیح ممکن است زیرا خدا او را از مردگان برخیزانید و روح را برای مؤمنان فرستاد، اعمال رسولان ۳:۱۵ رومیان ۶:۸ و متون بعدی و متون دیگر. این نوع زندگی جاودانه است زیرا نویدبخش جهان آینده است، متی متون یوحنا نیز در مورد زمان‌هایی از زندگی صرفاً به معنای فیزیکی صحبت می‌کنند. به نظر می‌رسد ۱۹:۱۶.

متونی مانند یوحنا فصل ۱۰، آیه ۱۱، ۱۵:۱۰، ۱۷، یوحنا ۱۲:۲۵ و سایر متون، فقط درباره زندگی فیزیکی یا مادی صحبت می‌کنند.

اما واضح است که استفاده یوحنا از این نوع زبان، چیزی فراتر از یک نوع زندگی از نظر کیفی متفاوت است که در رابطه با خدا زیسته می‌شود و تا آخرت ادامه می‌یابد. این حیات جاودان، تجربه‌ای کنونی مؤمنان است، اما می‌توان آن را به برخاستن از مردگان تشبیه کرد، یوحنا فصل ۵:۲۱ و آیات ۲۴ و ۲۵. سه مورد از به زندگی مربوط می‌شوند، ego eimi، عبارات «من هستم» عیسی.

او نان حیات است که از آسمان نازل می‌شود، ۴:۴۱، ۴۸ و ۵۱. او رستخیز در زندگی است، یوحنا ۱۱:۲۵. او راه، حقیقت و حیات است، یوحنا ۱۴:۶. شاید مهمترین متن در یوحنا در رابطه با یوحنا فصل ۱، آیات ۴ و ۵، و بنابراین با نگاهی به پیدایش فصل ۱، یوحنا فصل ۸، آیه ۱۲ باشد که حیات و نور را، البته به ترتیب معکوس، در کنار هم قرار می‌دهد. در یوحنا ۱:۴، عیسی به عنوان حیات، به مردم حیات می‌بخشد و از این طریق آنها را روشن می‌کند.

در آیه ۱۲:۸، عیسی به عنوان نور جهان، به کسانی که از او پیروی می‌کنند، حیات می‌بخشد. در اول یوحنا فصل ۱، آیات ۱ تا ۷، همچنین پیوندی بین حیات و نور با تاریکی و گناه به عنوان ناسازگار با حیات و نور وجود دارد که با انجیل یوحنا، فصل ۱، آیات ۴ و ۵، و یوحنا، ۸:۱۲ قابل مقایسه یا مشابه است. یکی دیگر از مباحث بینامتنی بین یوحنا ۱ و پیدایش ۱، ایده نور و تاریکی است. برای یوحنا، کلمه به عنوان حیات با کلمه به عنوان نور، فصل ۱، آیه ۴، نمادین شده است. کای هه زوئه در مورد فوتون آنتروپون، زندگی نور انسان‌ها بود.

اشاره به نور و تاریکی در یوحنا فصل ۱، آیه ۵، نور در تاریکی می‌درخشد، به پیدایش فصل ۱، آیات ۲ و ۳ اشاره دارد که در ترجمه هفتادگانی می‌گوید، کای اسکاتوس اپونوت‌ها ابوسو، کای اپین‌ها تئوس ژنتئیتو فوس به عبارت دیگر، تاریکی بر روی ژرفا و اعماق بود، و خدا فرمود: «روشنایی باشد» و پس. phos کای اگنتو، روشنایی پدید آمد. بنابراین، وقتی به نور و تاریکی در کتاب مقدس عبری در پیدایش ۱، آیات ۳ تا ۵ نگاه می‌کنیم، توصیفی از کار خلاقانه روز اول به عنوان آفرینش نور داریم که جایگزین تاریکی فصل ۱، آیه ۲ می‌شود و توالی عصرها و صبح‌ها را آغاز می‌کند که هر یک از پنج روز اول را در فصل ۱، آیات ۱۵ تا ۱۸ مشخص می‌کند.

سایر متون کتاب مقدس، نور را با آفرینش و حفظ جهان توسط خدا مرتبط می‌دانند، ایوب ۳۸:۱۹، مزمور آیات ۱۶ و ۱۷، و همچنین مزمور ۱۰۴، آیه ۲. مراقبت خدا از اسرائیل اغلب از طریق اعطای نور بیان، ۷۴ می‌شود. طبق خروج فصل ۱۰، آیه ۲۳، بالای ماقبل آخر بر مصر تاریکی بود، در حالی که تنها بنی اسرائیل نور داشتند. خدا بنی اسرائیل را روز و شب با ستون‌های ابر و آتش در بیابان هدایت کرد، خروج ۱۳:۲۱ و سایر متونی که به آن وقایع اشاره دارند، ۱۴:۲۰.

اثاثیه‌ی خیمه شامل شمع‌دان و شمع‌دان برای روشنایی بود. در کتاب ایوب، روشنایی استعاره‌ای از درک الهی. برای مسائل دشوار است، در متونی مانند ایوب ۱۲، آیه ۲۲، آیه ۲۵، ایوب ۳۰، آیه ۲۶، و ۳۸:۱۵. همچنین به نظر می‌رسد که در ایوب فصل ۲۶ و آیه ۱۰ به مشیت الهی اشاره دارد. در انبیا، مزامیر، امثال و جامعه، روشنایی و تاریکی اغلب استعاره‌هایی از خیر و شر، سعادت و بدبختی، برکت و داوری هستند و ما به جزئیات استناد به متون برای این موضوع نمی‌پردازیم.

اگر علاقه‌مند باشید، می‌توانید آنها را پیدا کنید. ما در عهد جدید به نور و تاریکی می‌پردازیم. نور و تاریکی نیز اغلب به صورت استعاری در عهد جدید استفاده می‌شوند.

در انجیل‌های هم‌نوا، آموزه‌های عیسی پیروانش را روشن می‌کند، متی ۴:۱۶، با استناد به اشعیا ۹:۲ همچنین، متی ۱۴:۵-۱۶، متی ۲۲:۶-۲۳، لوقا ۲:۳۲، با اشاره به اشعیا ۴۲:۶ و ۴۹:۶، و همچنین اعمال رسولان ۱۳:۴۷. در اعمال رسولان ۱۸:۲۶، پولس رسالت خود را به گونه‌ای بیان می‌کند که مردم را از تاریکی به نور، از شیطان به خدا، بازمی‌گرداند، و عهد جدید و نه رساله اول اغلب تصاویر مشابهی دارند. حتی پطرس نیز از این تصویر در اول پطرس ۲:۹ استفاده می‌کند. معنای نور و تاریکی در یوحنا ۱:۴-۵ با اختلاف پیچیده است، که می‌تواند با *it happens* و *hogegegonen* نظر معروف در مورد علانم نگارشی در مورد آنچه قبل یا بعد از آن آمده است، به عنوان یک جمله موصولی که در پایان فصل ۱، آیه ۳ توصیف *oude hen ha-* بخوانیم. خودکار اگنتو *kai korei* می‌شود، خوانده شود. بنابراین، می‌توانیم آن را نیز همینطور است. یا می‌توانیم آن را *NIV* بدون او هیچ چیز ساخته نشده است، همانطور که *gegonen* در *ha-gegonen*، در ابتدای فصل ۱، آیه ۴ *en* بخوانیم، به عنوان فاعل فعل ربطی *en auto* به صورت خودرو زوئی هین، آنچه در او اتفاق افتاد، زندگی بود، و سپس بقیه آن را با آیه زیر در نظر بگیرید.

قطعیت اشاره به پیدایش ۱:۳ تحت تأثیر این بحث قرار نمی‌گیرد، اگرچه ظرافت اشاره تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در رویکرد اول، با خواندن متن، بدون او هیچ چیز ساخته نشده است، بر دامنه جهانی خلقت کلمه به گونه‌ای تأکید می‌شود که کلمه را از هر چیزی که آفریده شده است، به وضوح متمایز می‌کند. در رویکرد دوم، هیچ چیز جدا از او ساخته نشده است و آنچه در او اتفاق افتاده حیات بوده است، آیه ۴. هنوز واضح است که کلمه هر چیز را آفریده است، اما تأکید بیشتر بر حیاتی است که از طریق کلمه رخ داده است تا بر جهانی بودن خلقت کلمه.

شاید دیدگاه دوم، همانطور که بعداً در این مطالعه خواهیم دید، از مفاهیم خلقت جدید در یوحنا بیشتر حمایت کند. در مجموع، تصمیم‌گیری بستگی به این دارد که آیا باید هاگگونن را مرتبط با خلقت دانست یا تجسم. بنابراین، کل مجموعه یوحنا به طور مکرر از نور و تاریکی به شیوه‌ای مشابه با استفاده از آن در استفاده می‌کند. شکی نیست که یوحنا از تصویرسازی اولین عمل خلقت در پیدایش ۱:۳ به عنوان ۱.۱.۴.۵ استفاده می‌کند. استعاره‌ای اصلی برای رسالت عیسی استفاده می‌کند.

اگر در ۱:۴ نباشد، در ۱:۵.۵ واضح است که این کلمه به عنوان تجسم نوری ارائه شده است که تاریکی دنیای سقوط کرده آن را درک نمی‌کند یا بر آن غلبه نمی‌کند. یحیی تعمید دهنده خود نور نیست، اما شاهی بر روشنائی اصیلی است که از طریق کلمه یافت می‌شود. از اینجا به بعد، نور و تاریکی مرتباً به عنوان استعاره‌های دوگانه‌گرایی اخلاقی ظاهر می‌شوند، از فصل ۳، آیات ۱۹ تا ۲۱ شروع می‌شود که نور را با ایمانی که منجر به زندگی می‌شود و تاریکی را با کفری که منجر به داوری می‌شود، پیوند می‌دهد.

ارتباط واقعیت زندگی و کلمه با استعاره نور در یوحنا ۸:۱۲ به ویژه برای درک یوحنا ۱:۴-۵ به عنوان یک متن، خلقت جدید قابل توجه است. اکنون با گذر از این مطالعه جزئیات بینامتنیت بین یوحنا ۱ و پیدایش ۱ تلاشی برای ایجاد یک سنتز، یک الهیات کتاب مقدسی یوحناپی در مورد چگونگی ارتباط کلمه، لوگوس، با خلقت را آغاز می‌کنیم. ابتدا، لوگوس و خلقت اولیه.

شکی نیست که یوحنا عمداً انجیل خود را با اشارات متعدد به فصل اول کتاب پیدایش آغاز کرده است. با این کار، او تأیید کرد که کلمه نه تنها در زمان خلقت وجود داشته، بلکه خالق نیز هست. جدا از او، هیچ چیز آفریده نشده و بدون او، هیچ چیز، حتی یک اتفاق هم نیفتاده است. این جمله تکراری، کلمه را به عنوان خالق، هم به صورت مثبت و هم به صورت منفی، مطرح می‌کند و هیچ شکی در مورد این موضوع باقی نمی‌گذارد.

هیچ چیز جدا از کلمه به وجود نیامد. عبارات حرف اضافه‌ای که به آنها پرداخته شده است، از طریق او، و آلتو «، جدا از او، بیانگر فعالیت کلمه در رابطه با خلقت است. همه چیز از طریق او بود و» quodius. هیچ چیز بدون او نبود.

در این متن، «از طریق» به عاملیت شخصی کلمه به عنوان خالق اشاره دارد. اگر همه چیز از طریق کلمه‌ای که با خدا بود و خدا بود، خلق شده است، کلمه‌ای که خدا بود و با خدا بود، همه چیز را خلق کرد. هیچ چیز مستقلاً و جدا از فعالیت کلمه به وجود نیامده است.

کلمه، خدای فرودستی نبود که وظیفه خلقت توسط خدایی برتر به او واگذار شده باشد، و کار آفرینش کلمه، نیز جدا از پدر و روح القدس انجام نشده است. بنابراین، این متن، مانند متونی مانند اول قرن‌تین ۸:۶ کولسیان ۱:۱۸ و عبرانیان ۱:۲، به روشنی درباره نقش مستقیم کلمه به عنوان خالق صحبت می‌کند. ما درباره کلمه در خلقت اولیه صحبت کرده‌ایم. اکنون درباره کلمه و تجدید خلقت فکر می‌کنیم.

پیشگفتار باشکوه انجیل چهارم، لوگوس یا کلمه را نه تنها به عنوان خالق آسارخوس، بلکه به عنوان آشکارکننده خدا توسط آسارخوس نیز معرفی می‌کند. عیسی به عنوان آسارخوس، یعنی جدا از خالق جسم، در حالت ازلی خود، جهان را آفرید. عیسی به عنوان آشکارکننده خدا به عنوان کسی که در جسم است، کسی که تجسم یافته است، آمد تا خدا را آشکار کند.

اگر واضح است که یوحنا ۱ تا ۳ کلمه را به عنوان خالق اصلی همه چیز مطرح می‌کند، به همان اندازه واضح است که یوحنا ۱ آیات ۴ و ۵ کلمه را به عنوان آشکارکننده به شیوه‌ای مطرح می‌کند که الهیات خلقت جدید نهفته یوحنا را تأیید می‌کند. اگرچه این نکته اخیر به اندازه نکته قبلی توسط انجیلی‌ها به رسمیت شناخته نشده است، به عبارت دیگر، انجیلی‌ها به طور منظم به آموزه تجدید خلقت توجه نکرده‌اند، همانطور که در این متن به آموزه خلقت اولیه توجه دارند، اما تصویر لوگوس به عنوان حیات و نور، مفهوم الهیات یوحناپی نجات به عنوان تجدید خلقت را مشروعیت می‌بخشد. آنچه معمولاً به عنوان مطالبی که پولس به صراحت در سبک نامه‌نگاری و استدلال در متونی مانند رومیان ۵:۱۲-۲۱، رومیان ۸:۱۸-۲۳، دوم قرن‌تین دوم قرن‌تین ۵:۱۷ بیان کرده، در کنار شاید استفاده جالب پولس در پیدایش، تجدید جهان در متی ۴:۳-۷، ۱۹:۲۸ درک می‌شود. این نوع آموزه‌ها همچنین توسط نویسندگان انجیل چهارم، البته به طور ضمنی‌تر از ۱۹:۲۸، طریق هنر روایت، نه با زبان نثر ساده، بیان شده است.

تفسیرها معمولاً مشاهدات جداگانه‌ای در مورد مفاهیم ضمنی خلقت در جزئیات مختلف یوحنا ۱ ارائه می‌دهند، اما پرداختن گسترده به این موضوع نسبتاً غیرمعمول است. برخی تفسیرها و مطالعات، هفت روز را در یوحنا ۱:۱۹ و پس از آن می‌بینند و این هفت روز را به عنوان تکرار هفت روز خلقت در پیدایش ۱ می‌دانند. مطالعات دیگر، بر مضمون بهشت در انجیل، در متونی مانند فصل ۲۰، تأکید می‌کنند، جایی که مریم مجدلیه توسط باغبان مورد استقبال قرار می‌گیرد، به گمان اینکه عیسی باغبان است، باید بگویم، در صبح یکشنبه عید پاک در مقبره خالی. خلاصه کاستنبرگر از مفاهیم ضمنی خلقت به مطالعه‌ای بستگی دارد که توسط براون انجام شده است.

در اینجا من در مورد کتاب «شهادت جدید انجیل و نامه‌های یوحنا» نوشته آندریاس کاستنبرگر، که توسط انتشارات زوندروان در سال ۲۰۰۹ منتشر شد، و همچنین مقاله جنین براون با عنوان «تجدید خلقت در انجیل یوحنا» در فصلنامه کاتولیک کتاب مقدس در سال ۲۰۱۰ صحبت می‌کنم. رویکرد کاستنبرگر در مقدمه نیز بر مضمون نور و حیات تأکید دارد، اما در کتاب نشانه‌ها، فصل ۱، آیات ۱۹ تا ۵۰:۱۲، و در روایت مصائب مسیح، و حتی در روایت رستاخیز، نیز به طور مختصر به الهیات خلقت جدید پرداخته شده است. پروفیسور براون بر عبارت «در آغاز» در یوحنا ۱:۱، همچنین بر حیات به عنوان یک مضمون در یوحنا، و اوج یوحنا، فصل‌های ۲۰ و ۲۱، که در آن چندین اشاره به فصل‌های ۱ و ۲ سفر پیدایش می‌یابد،

تمرکز می‌کند. در نهایت، او همچنین از رستاخیز عیسی صحبت می‌کند که به معنای آغاز یک هفته خلقت جدید تلقی می‌شود.

اگرچه براون خلاف این را استدلال می‌کند، اما به کارگیری دقیق معیارهای هی برای تعیین پژواک‌های معتبر یعنی پژواک‌های بینامتنی عهد عتیق و جدید، ممکن است منجر به حذف برخی از این اشارات پیشنهادی شود. همه آنها در نگاه اول به یک اندازه قانع‌کننده نیستند. در نگاه اول، پس از تصویرسازی واضح مشترک بین پیدایش ۱ و یوحنا ۱، اشاره پیشنهادی به پیدایش ۲:۷ و یوحنا ۲۰:۲۲، جایی که عیسی بر حواریون دمید و نفس او در دریافت روح القدس توسط آنها دخیل است، که احتمالاً یادآور پیدایش ۲:۷ است، این ممکن است محتمل‌ترین و مهم‌ترین اشاره بینامتنی در این متن باشد.

در نهایت، برای نتیجه‌گیری در مورد رابطه بین پیدایش ۱ و یوحنا ۱، شکی نیست که انجیل چهارم، کلمه را به عنوان خالق هر چیزی که در پیدایش ۱ به وجود آمده است، به تصویر می‌کشد. این موضوع با اشارات متعدد در یوحنا ۱ به پیدایش ۱ که در بالا بررسی شد، نشان داده شده است. عاملیت و خلقت مستقیم کلمه باید هر کسی را که نظریه مسیحی منشأ را مطرح می‌کند که فرآیندی غیرشخصی یا مکانیکی را فرض می‌کند که عاملیت کلمه را کاهش می‌دهد، به شدت درنگ کند. به هر حال، یوحنا ۱ به پیدایش ۱ اشاره نمی‌کند تا استدلال‌هایی را برای هیچ نظریه فعلی منشأ ارائه دهد.

در انجیل یوحنا ۱، برای بحث در مورد مدت زمان خلقت جهان توسط خدا، به پیدایش ۱ اشاره نشده است. بلکه، یوحنا ۱ به پیدایش ۱ اشاره می‌کند تا زمینه اساسی را که انجیل چهارم باید از آن درک شود فراهم کند و داستان عیسی را تا ریشه‌های اولیه‌اش ردیابی کند. دوگانه‌گرایی اخلاقی نور و تاریکی که در روایت یوحنا به تصویر کشیده شده است، جدا از روایت خلقت پیدایش ۱ و ۲، به طور کامل قابل درک نیست همانطور که تاریکی جهان اولیه طبق پیدایش ۱:۳ توسط کلام خدا روشن شد، بگذارید نور باشد، تاریکی که در پیدایش ۳ به آن جهان آمد، توسط نور جهان، یوحنا ۱:۴-۵ و ۸:۱۲، روشن می‌شود. به طور متعارف یوحنا ۱:۵-۱ در یک مسیر مفهومی قرار می‌گیرد که از پیدایش ۱ و ۲ آغاز می‌شود. این مسیر از طریق اشعیا ۶۶، یوحنا ۱، دوم پطرس ۳ ادامه می‌یابد و در مکاشفه ۲۱ و ۲۲ به پایان نهایی خود می‌رسد ۶۵.

کلمه بدون جسم، کلمه ابدی که در ابتدا خلق شد، یوحنا ۱:۱، و کلمه در سارکوس، آن که تجسم یافته، آغاز والای خلقت تازه است. عیسی هم عامل خلقت اولیه و هم عامل خلقت جدید است.

این دکتر دیوید ترنر در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه ۲۱، پیدایش ۱ و یوحنا ۱ است.